

عنوان مقاله:

نگاهی به متافیزیک رابطه «برساختن اجتماعی» و نسبت آن با طبیعی گرایی فلسفی

محل انتشار:

مجله تاریخ علم، دوره 19، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

حسین شیخ رضائی - مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

خلاصه مقاله:

برساخت گرایی اجتماعی نظریه ای است که طبق آن بسیاری از وجوه واقعیت و معرفت ما به آن برساخته تعامل های بینافردی و اجتماعی است. اگرچه در سال های اخیر انواع و اقسام هویت ها و بازنمایی ها برساخته اجتماع دانسته شده اند، اما در باره اینکه رابطه «برساختن اجتماعی» به لحاظ فلسفی و متافیزیکی چگونه رابطه ای است تحقیقات نسبتا اندکی انجام شده و توافق نظری ای بر سر آن وجود ندارد. نخستین هدف این نوشته ایضاح مفهومی رابطه برساختن اجتماعی و مرور چهار گزارش مختلف در باره متافیزیک این رابطه است. هر یک از این گزارش ها به لحاظ کفایت متافیزیکی ارزیابی شده اند تا روشن شود آیا با آنچه کاربران مفهوم برساختن اجتماعی در ذهن دارند انطباق دارد یا خیر. در بخش پایانی مقاله، پس از به دست دادن تعریفی از طبیعی گرایی فلسفی، به بررسی این نکته پرداخته شده است که آیا می توان گزارشی طبیعی شده از برساختن اجتماعی به دست داد یا نه. استدلال شده است که چنانچه موضوع و متعلق برساختن اجتماعی را بازنمایی ها در نظر بگیریم، تعارضی با طبیعی گرایی نخواهد داشت. اما اگر موضوع و متعلق آن را هویت خود جهان لحاظ کنیم، تنها یکی از صورت بندی های برساخت گرایی هستی شناختی با طبیعی گرایی فلسفی سازگار نیست، اما درخصوص سایر صورت بندی ها، باید منتظر تعیین تکلیف مفاهیمی مانند نوپدیددی و اصل بستار علی در علوم تجربی بود. در حال حاضر، دلیلی پیشینی/فلسفی دال بر تعارض میان این نسخه های برساخت گرایی هستی شناختی و طبیعی گرایی فلسفی در دست نیست.

کلمات کلیدی:

برساختن اجتماعی، رابطه تقویم، رابطه ریشه داشتن، رابطه ساختن، طبیعی گرایی فلسفی، علیت، واقعیت اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1897943>

